



وقتی دل شکسته ، گرانبار و خسته
در ظلمت گناه گم گشته
به پای صلیبش افتادم پشیمان
از آنجا تابید نور ایمان
مسیحا ، مسیحا، نورت بر من تابید
مرا از گناهان رهانید رهانید
مسیحا نگاهت، آن مهر و صفایت
مرا بخشید شادی و حیات
گرچه مسکین و کور، لیکن پر از غرور
تا بار گناهم شد آشکار
آنکه من به پای آن مصلوب افتادم
آنجا از ظلمت کرد آزادم
حال ظلمت رخت بسته، بندهایم گسسته
طلوع کرده عیسی در قلبم
مسیحا نگاهم به نور روی توست
نجاتم ز فیض و رحم توست

